

سید سعید سرایی مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان از برگزاری اختتامیه باشکوه همراه با حضور عوامل فیلم های جشنواره خبر داد و گفت: «در همین رابطه کمیته اختتامیه شکل گرفته است و اعضای این کمیته نیز تا کنون چندین جلسه تخصصی داشته‌اند و در حال

برنامه ریزی برای برگزاری یک اختتامیه باشکوه هستند.» وی افزود: «با وجود کمبودهای مالی، معتقدیم برگزاری اختتامیه جشنواره فیلم فجر مشهد یک رخداد سینمایی و به نوعی جشن سینمایی استان خراسان است، بنابراین برگزاری خود این اختتامیه موضوعیت دارد.» سرایی افزود: «سعی می کنیم حداقل یکی از عوامل فیلم های اکران شده در جشنواره مشهد را برای اختتامیه دعوت کنیم.»

سعید سرایی همچنین درباره احتمال اکران فیلم سینمایی محمد رسول... (ص) در مشهد گفت: فیلم محمد رسول... (ص) در شهر مشهد در دوره جشنواره اکران عمومی نخواهد شد و در صورت توافق با تهیه کننده این فیلم، به صورت ویژه و خاص اکران خواهد شد.

معاون هنری سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی گفت: رولمایی از فیلم «فضل بن شاذان» در صورت حضور عوامل آن در مشهد و همزمان با دوازدهمین جشنوار هفیلم فجرمشهد انجام می شود. ناصر نبی زاده در گفت وگوبا فارس اظهار کرد: باتوجه به اینکه قبل از برگزاری دوازدهمین جشنواره فیلم فجر مشهد به علاقه مندان وعده داده بودیم که از فیلم فضل بن شاذان رونمایی می کنیم، در حال رایزنی با عوامل این اثر هستیم.

فیلم تگرگ و آفتاب در هفتمین روز از دوازدهمین جشنواره فیلم فجر مشهد اکران شد و توانست رضایت تماشاگران مشهدی را جلب کند. به گزارش فارس، هفتمین روز از دوازدهمین جشنوار هفیلم فجرمشهد در حالی گذشت که با حاشیه هایی همراه بود. یکی از مهم ترین حاشیه های هفتمین روز از جشنواره

دوازدهم فیلم فجر مشهد، مربوط به اکران فیلم های مستند بود. در ابتدا ناهمگونی فنی فیلم چشم آبی با پرده سالن شماره سه پردیس هویزه مشهد بود که سبب قطع شدن این مستند برای مدت زمانی کوتاه شد. علاوه بر این، برگزاری دو نشست خبری برای دو مستند چشم آبی و فیه ما فیه با حضور کارگردانان آن نیز از دیگر مواردی بود که در این بخش، کمتر به چشم می خورد، البته حضور جمعیت زیاد تماشاگران را نیز ویژه اکران سینمای مستند نباید از یاد برد. اکران فیلم تگرگ و آفتاب هم باز سالن سینما را با صندلی های خالی به رخ کشید. خیلی ها معتقد بودند این فیلم برای سینما مناسب نبود و این قابلیت را داشت که در تلویزیون به آن پرداخته شود. فیلم سینمایی عصر یخبندان به کارگردانی مصطفی کیایی نیز روز گذشته در دوازدهمین دوره از جشنواره فیلم فجر مشهد در پردیس سینمایی هویزه اکران شد.

مدیر کل ارشاد استان درباره حمایت سازمان ها و نهادهای شهر از جشنواره فیلم فجر مشهد گفت: با وجود همکاری خوب شهرداری در زمینه های دیگر این نهاد برای برگزاری جشنواره فیلم فجر با ما مشارکتی نداشت و با توجه به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی شورای شهر مشهد از این به بعد برای جشنواره فیلم فجر مشهد می توانیم از این کمیسیون کمک بگیریم.

#### ایران برگر: کمدی انتقادی



ایران برگر فیلمی است که هم مخاطب عام را راضی می کند و هم مخاطب خاص را پای خود می نشاند، چرا که از وجوه مختلفی برخوردار است که هر یک می تواند طیفی از این مخاطبان را به خود جذب کند. از یک سو فیلمی کمدی و سرگرم کننده است با داستانی عاشقانه و با حضور بازیگرانی محبوب و از دیگر سو فیلمی انتقادی سیاسی است که می تواند خوشایند مخاطبان جدی تر هم باشد. شوخی های انصاف آمیز و گاه روده بر کننده ایران برگر هم کمدی موقعیت است و هم بزن و بکوب. هم شوخی کلامی و کمیک های لحن و لهجه را دارد و هم کمدی وضعیت و موقعیت است. هم شوخی های مبتنی بر ریخت و شمایل و فیزیک اشخاص را دستاویز کرده و هم مسخرگی ناشی از همجوار ی عناصر متضاد و ناسازگار را. حتی نوع کمدی خاص ایران از عواطف و تمایلات عاشقانه را نیز از نظر دور نداشته. انگیز که ایران برگر مروری است خودخواسته بر همه شیوه های شناخته شده کمدی در سینما. (سلام سینما)

#### تگرگ و آفتاب: ایده ای که تجسم پیدا نکرد



ایده فیلم برگرفته از داستان معروف داش آکل بوده که پیش از این توسط مسعود کیمیایی ساخته شده بود، موقعیتی حساس از انتخاب که میان آدای مسئولیت در برابر تعلق خاطر قرار می گیرد تا حالی دو گانه از شرایطی متضاد را شکل دهد اما این نوع رویکرد نقابل جوانانه از گریبی شخص در برابر رخداد در فیلم، رنگی تجسم یافته نداشته و به جای آن با محضولی شعار زده و بی هویت مواجهم.

#### ویژه نامه روزنامه خراسان به مناسبت اختتامیه دوازدهمین جشنواره فیلم فجر مشهد

# دریچه نقد و نگاه

یادداشت هایی درباره ۱۰ فیلم دوازدهمین جشنواره فیلم فجر مشهد

♦ **سید مصطفی صابری**

#### کسل کننده ترین خداحافظی دنیا

«خداحافظی طولانی» فیلمی از فرزاد موتمن است که قرار بود او را به روز های اوچش برگرداند؛ زمانی که او با عاشقانه ای دوست داشتنی به نام «شب های روشن» که اقتباسی بود از ادبیات کلاسیک اروپا، مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار گرفت. «شب های روشن» به لطف کارگردانی موتمن، بازی های به یاد ماندنی مهدی احمدی و هانیه توسلی، به فیلمی تبدیل شد که سینما دوستان بارها و بارها به تماشایش می نشینند و هر بار که موتمن فیلمی می سازد با همان ذهنیتی که نسبت به «شب های روشن» دارند به تماشای فیلم هایش می روند و هر بار حجم بالایی از سرخوردگی و یأس سراغ آن ها می آید، از کمدی نازل «پوپک و مشی ماشالا» بگیرد تا عجایی مثل «جعبه موسیقی»، «صداها» و «باج خور» هر کدام به نوعی چیزی فراتر از شکست هنری و تجاری برای موتمن بودند تا آن که موتمن وعده داد با «خداحافظی طولانی» دوباره

#### مرگ منطق توسط ماهی سیاه



«ماهی سیاه کوچولو» اثر مجید اسماعیلی از چند منظر یکی از اتفاق های خاص سینمای ایران است؛ کمتر فیلمی را به یاد داریم که ابتدا و انتهایش در باره یک اتفاق واقعی صحبت کند اما در تمام طول فیلم و در خلال داستان و دیالوگ ها و ... هیچ اشاره ای به آن ماجرا نداشته باشد. «ماهی سیاه کوچولو» قرار بود فیلمی درباره حمله مائوئیست ها به آمل باشد اما در کمال تعجب جز جنگل که لو کیشن اصلی فیلم است و سیبل مصطفی زمانی که یادآور طرفداران این تفکر است و چند دیالوگ کم مایه از شخصیت مصطفی زمانی در فیلم که از جنگ طبقاتی و ... می گوید، فیلم هیچ اشاره ای به اصل ماجرا ندارد! «ماهی سیاه کوچولو» بنا به دلایل دیگری هم خاص و نادر است؛ مثل مرگ منطق در فیلم. این فیلم به شدت منطق و روابط علت و معلولی را به چالش می کشد و در این بین اصلا روده ریاستی ندارد. در فیلم شاهد اتفاقاتی هستیم که باور کردنشان سخت که نه! اصلا ممکن نیست!

یک دختر اشراف زاده متورم روز عروسی اش از سر سفره عقد با کفش عروسی بیرون می زند تا انتقام شوهرش را از یک خان !! بگیرد!

از قضا یک روز قبل و بعد را هم برای انتقام انتخاب نکرده! تنها انگیزه اش هم این است که مائوئیست ها همان حوالی در جنگل را زده اند و می توانند او را کمک کنند! یک پسر جوان هم شبانه روز در جنگل برای ضد انقلاب دیده بانی می دهد فقط به خاطر این که به دختری که روی دیوار پاسگاه نقاشی می کشد، علاقه دارد. یک نفر هم عروس خانم را همراهی می کند چون شوهر دختر قبل از اعدام، اسم خائن را داخل جعبه سیگار گذاشته و این نظامی مسن فکر می کند اسم خائن به درش می خورد! حالا این که یک اعدامی چطور این کار را کرده و چطور خبر خلاقیتش به بیرون درز کرده بماند! اما پایان بندی فیلم چیزی عجیب تر از این حرف هاست! تصور کنید یک پاسگاه آتش گرفته و ضد انقلاب هم قرار است تا چند دقیقه دیگر به آن حمله کنند در این شرایط پاسگاه بدون هیچ دلیلی خالی می شود تا شخصیت های اصلی بدون دغدغه به روی هم اسلحه بکشند و ... «ماهی سیاه کوچولو» غیر از بی منطقی و بی سرتو نبودن، از نظر دیالوگ ها و بازی ها و خیلی چیزهای دیگر هم خاص است اما این که چطور سر مایه گذار خصوصی حاضر شده بودجه فیلم را در اختیار یک فیلم اولی نابد بگذارد از همه عجیب تر و خاص تر است.

#### روباه: تریلری خوب که دیده نشد

یک قاعده مهم در سینمای ایران وجود دارد و مختص جشنواره امسال هم نیست، در زمان اکران مخاطبان نباید روی سیمرغ های یک فیلم حساب ویژه ای باز کنند و از طرفی هم نباید به احتی از کنار نام یک فیلم به صرف این که سیمرغ نگرفته یا حتی نامزد هیچ سیمرغی نبوده، بگذرند. در سال های گذشته آثار معمولی مثل روز های زندگی و «هفت دقیقه تاپایز» با ضعف های مفرط سیمرغ گرفتند، همین امسال هم دو فیلم «خداحافظی طولانی» و «دوران عاشقی» در رشته های متعددی نامزد شدند اما چندان مورد توجه مردم مخاطبان قرار نگرفتند. در آن طرف ماجرا امسال با فیلم خوش ساختی به نام «روباه» مواجه بودیم که حشش را نگرفتند به دو دلیل، اول این که بهروز افخمی سال قبل بابت «آذر، پرویز، شهیدخت و دیگران» سیمرغ گرفته بود دوم این که از قرار معلوم گوپی قرار بود امسال آثاری که بر چسب سفارشی خورده اند چندان مورد توجه نباشند و گرنه به «روباه» در حد و اندازه سینمای ایران تریلر جاسوسی پر کششی بود. شخصیت های فیلم از ماموران وزارت اطلاعات گرفته تا موتور سوار اجیر شده توسط جاسوس اسرائیلی یعنی احمدی گودرزی «همه شیرین، باهوش و واقعی هستند. فیلم در باره توطئه اسرائیل

#### در دنیای تو ساعت چند است؟ عشق برای عشق



«در دنیای تو ساعت چند است؟» روایتی از عشقی متفاوت و منحصر به فرد است که بر بستر جغرافیایی خاص و شکست زمان، عمق و جذابیت پیدا می کند. در روزگاری که روابط به تصویر درآمد در فیلم های سینمایی متأثر از جامعه عاطفه زده امروز، به گونه ای عام، سطحی و کلیشه ای شده که حتی نمی توان به آن عنوان عشق داد، پر داختن به روابط عاشقانه ای عمیق، خاص و بدیع می تواند نعمتی برای سینمای ایران و البته مخاطب باشد. خاص بودن کیفیت عشق در فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» بیش از هر چیز متحر کر بر عشقی یکطرفه است که هیچ وقت دیده نشده اما به ناگاه موقعیتی منحصر به فرد برای بروز و نمود پیدا می کند و به همین دلیل بدیع و جذاب است.

#### عصر یخبندان: اشراف به مسائل روز جامعه

مضمون فیلم «اعتیاد» است و پیام اصلی آن این که «اعتیاد موجب تمام تباهی هاست.» اما این پیام در دل داستانی پر کشش جای می گیرد و نه تنها ویژگی آموزشی – تربیتی آن اغراق شده و شعاری نمی شود بلکه چنین مضمونی در لایه های زیرین اثر جای می گیرد و با آن عین می شود و نه در سطح ظاهری بلکه به شکلی درونی در ژرفای فیلم فرومی رود. شیوه روایت، از دیگر نقاط قوت کار است. درواقع،

حالا همه می دانیم «رخ دیوانه» بهترین فیلم شده و سیمرغ مردمی را هم گرفته و ابو الحسن داوودی کارگردان فیلم هم سیمرغ بهترین کارگردانی را شکار کرده است. حالا وقت این است که ببینیم چرا «رخ دیوانه» این قدر جشنواره را تحت الشعاع قرار داد و مخاطبان و منتقدان را غافلگیر کرد.

♦ «رخ دیوانه» در سینمای ایران که همه با اولین فیلمشان می خواهند در اندازه کیشلوفسکی و جیم جارموش ژست هنری بگیرند، تکلیفش را با داستانش معلوم کرد. فیلم ظرفیت زیادی برای شعار دادن و بیانیه صادر کردن در مورد جامعه و نسل جوان دارد اما به جز روایت قصه «ماندانا» در دام شعار نمی افتد، ای کاش در تدوین مجدد فیلم برای اکران، شخصیت گوهر خیراندیش حذف نشود تا ریتم فیلم حفظ شود.

♦ «رخ دیوانه» فیلم به روزی است هر چند بحث شبکه های

اجتماعی و قرار های اینترنتی که بستر آشنایی شخصیت های اصلی را فراهم می کند، در ادامه داستان چندان پیش بر نده و تعیین کننده نیست اما همین که حس و حال فیلم به دنیای زندگی امروز مردم به خصوص نسل جوان نزدیک است، توجه مخاطب را جلب می کند.

♦ «رخ دیوانه» با تمهیداتی داستان را به سمتی می برد که در پایان غافلگیرانه باشد هر چند این تمهیدات مثل نمایشن هایی که کدهای غلط به مخاطب می دهد، بدعت بدی برای سینماست. با این حال مخاطب هم به این که سرش کلاه برود اما فیلم پایان شگفت انگیزی داشته باشد، راضی است چرا که مخاطب امروز سینما به خاطر تماشای آثار خارجی که پر از تعلیق است و تا لحظات آخر برگ های برنده شان رو نمی شود، از قصه های خطی و ساده فیلم های داخلی به تنگ آمده پس طبیعی است از فیلمی مثل «رخ دیوانه» که داستانش به خصوص در نیم ساعت پایانی پر کشش است و لوکیشن های متعدد بازیگران خوب دارد، استقبال کند.

♦ «رخ دیوانه» این هاساس را داشت که در جشنواره سی و سوم اکران شود تا علاوه بر ویژگی های مثبت خودش به خاطر ضعف فرط فیلم های دیگر، شانس بیشتر دیده شدن را داشته باشد. البته وضعیت سال های قبل هم الزاما خیلی بهتر نبوده و حتی در سال هایی بدتر هم بوده اما نمی توان از کنار این ماجرا به راحتی گذشت که اگر فیلم سازان صاحب نام بیشتری در جشنواره امسال بودند بنا به سنتی غلط نگاه ها از سوی آثاری که درون ملین ولو سیاه مثل «رخ دیوانه» دارند، به سمت آثار بزرگان جلب می شد.

#### جزیره رنگین: فیلمی رنگارنگ



«جزیره رنگین» آنچنان که از نامش پیداست فیلمی رنگارنگ از زیبایی های ناشناخته جزیره هرمز و ثروت ملی عظیمی است که در قلب این جزیره زیبا نهفته بود. «جزیره رنگین» فیلمی با غنای تصویری بالاست برای کسانی که عاشق طبیعت و گردشگری هستند اما در صورت داشتن درامی جذاب و پر کشش قطعاً ن دسته از افرادی که چندان به منابع ملی و طبیعت فکر نمی کنند هم جذب این فیلم می شدند همان مخاطبانی که اتفاقا کارگردان در پی آموزش و تلنگر درباره طبیعت و ثروت های ملی به آنان بوده است.

#### «مزار شریف»: فیلمی قابل احترام



مزار شریف فیلم قابل احترامی است که قصه شهادت دیپلمات های ایرانی در مرداد ۷۷ را روایت می کند؛ زمانی که کنسولگری ایران در مزار شریف مورد حمله قرار گرفت و تنها یک نفر از آن حادثه جان سالم به در برد. مزار شریف ساده و بی ادعاست و کارگردانی روایی دارد و بیش تر از این که دنبال نمایش صحنه های خشونت بار جنگ باشد یا دنباله رو سینمای جنایی و معمایی، به روایت یک قصه ساده انکفامی کند. یک قصه یک خطی بدون شاخه و برگ.



♦ «رخ دیوانه» فیلم به روزی است هر چند بحث شبکه های

اجتماعی و قرار های اینترنتی که بستر آشنایی شخصیت های اصلی را فراهم می کند، در ادامه داستان چندان پیش بر نده و تعیین کننده نیست اما همین که حس و حال فیلم به دنیای زندگی امروز مردم به خصوص نسل جوان نزدیک است، توجه مخاطب را جلب می کند.

♦ «رخ دیوانه» با تمهیداتی داستان را به سمتی می برد که در پایان غافلگیرانه باشد هر چند این تمهیدات مثل نمایشن هایی که کدهای غلط به مخاطب می دهد، بدعت بدی برای سینماست. با این حال مخاطب هم به این که سرش کلاه برود اما فیلم پایان شگفت انگیزی داشته باشد، راضی است چرا که مخاطب امروز سینما به خاطر تماشای آثار خارجی که پر از تعلیق است و تا لحظات آخر برگ های برنده شان رو نمی شود، از قصه های خطی و ساده فیلم های داخلی به تنگ آمده پس طبیعی است از فیلمی مثل «رخ دیوانه» که داستانش به خصوص در نیم ساعت پایانی پر کشش است و لوکیشن های متعدد بازیگران خوب دارد، استقبال کند.

♦ «رخ دیوانه» این هاساس را داشت که در جشنواره سی و سوم اکران شود تا علاوه بر ویژگی های مثبت خودش به خاطر ضعف فرط فیلم های دیگر، شانس بیشتر دیده شدن را داشته باشد. البته وضعیت سال های قبل هم الزاما خیلی بهتر نبوده و حتی در سال هایی بدتر هم بوده اما نمی توان از کنار این ماجرا به راحتی گذشت که اگر فیلم سازان صاحب نام بیشتری در جشنواره امسال بودند بنا به سنتی غلط نگاه ها از سوی آثاری که درون ملین ولو سیاه مثل «رخ دیوانه» دارند، به سمت آثار بزرگان جلب می شد.